

The War of Narratives: The Clash Between the Discourses of Defense and Aggression in Gaza^{*}

Seyyed Abd al-Qayyum Sajjadi 

PhD, Khatam al-Nabiyyin University, Afghanistan

Email: dr.sajjadi12@gmail.com



Abstract

The Al-Aqsa Flood operation (October 7, 2023) marked a major turning point in the long-standing conflict between the Palestinian resistance movement and the Zionist occupying regime, ushering the Arab-Israeli military confrontation into a new phase. One of the most significant outcomes of Al-Aqsa Flood was the opening of a new front in the soft war, alongside the ongoing military conflict. This paper addresses the nature and grounds of the war of narratives and the confrontation between the discourses of defense and aggression in Gaza—a major regional and international issue with far-reaching consequences. Pursuing a policy of widespread repression and mass killings, Israel seeks to eliminate the narrative of defense and resistance forever. However, contrary to the Zionist regime's aspirations, the opening of the soft war front and the clash between the two narratives has posed a serious challenge to Israel. The primary question of this study is: In the war of narratives over Gaza, which of the two discourses—resistance or occupation—has gained the upper hand? This paper addresses the question by employing discourse theory and method. According to discourse theory, opposing discourses—aggression and defense—strive to highlight their own identity markers

^{*} Sajjadi1, S. A. (2024). The War of Narratives: The Clash Between the Discourses of Defense and Aggression in Gaza. *Journal of Political Science*, 27(107), pp. 109-136.

<https://doi.org/10.22081/psq.2025.70343.2917>

 **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

*** Type of article:** Research Article

 **Received:** 2024/08/14 •  **Revised:** 2024/09/08 •  **Accepted:** 2024/09/08 •  **Published online:** 2024/09/23

© The Authors



while presenting a negative portrait of the rival discourse, seeking to dominate the narrative space and marginalize their opponent. In the war of narratives, the Israeli regime attempts to portray itself as defensive while labeling the opposing discourse with the central signifier of terrorism. In contrast, the resistance movement endeavors to highlight the Zionist regime's longstanding record of occupation, mass killings, and systematic aggression against the people of Gaza, projecting an image of the regime as terrorist, occupying, and aggressive. The findings of this study, based on discourse theory and method, indicate that Israel has suffered defeat in the war of narratives, while the discourse of defense and resistance has gained ascendancy. The soft war and the confrontation of narratives in Gaza, amplified by media coverage and the exposure of widespread killings, have laid the groundwork for the hegemonization of the resistance discourse. Among the major outcomes of the war of narratives are the consolidation of the resistance identity on the global stage, the growing delegitimization of the Zionist regime, the marginalization of the discourse of compromise, the surge of public outrage against the discourse of aggression, and the exposure of the deceptive nature of American human rights narratives. Each of these elements has ultimately contributed to the victory of the resistance discourse and the defeat of the discourse of aggression on both regional and global scales. The transformation of the identity of the Zionist regime as an occupying and aggressive force into a collective perception within the global community, the spread of revulsion against Israel's repressive policies, and the emergence of a new wave of global public opinion in support of the resistance and against aggression—all illustrate the failure of the occupation discourse and the triumph of the Palestinian defense and resistance narrative. In conclusion, despite Israel's policy of mass killings in Gaza and Palestine, it has failed to achieve its objectives, and ultimately, in the war of narratives, the defense and resistance discourse has become the dominant public perception worldwide.

Keywords

Al-Aqsa Flood, war of narratives, discourse of defense, discourse of aggression, Zionist occupying regime, Gaza.



جنگ روایت‌ها؛ تقابل گفتمان دفاع و تجاوز در غزه^۱

سید عبدالقیوم سجادی^{id}

استاد دانشگاه خاتم النبیین، افغانستان.

dr.sajjadi12@gmail.com



چکیده

عملیات طوفان الاقصی (هفتم اکتبر ۲۰۲۳م). نقطه عطف مهمی در منازعه طولانی جریان مقاومت فلسطین با رژیم اشغالگر صهیونیستی است و منازعه نظامی اعراب و اسرائیل با این رخداد وارد فاز تازه‌ای شد. گشوده شدن جبهه جدید جنگ نرم، در کنار جنگ سخت نظامی از مهم ترین پیامدهای طوفان الاقصی بود. تبیین چستی و چرایی جنگ روایت‌ها و تقابل دو گفتمان دفاع و تجاوز در غزه، از موضوعات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی و دارای ابعاد و پیامدهای مهمی است که در این نوشتار به بررسی آن پرداخته‌ایم. اسرائیل با پیگیری سیاست سرکوب و کشتار گسترده، می‌کوشد روایت دفاع و مقاومت را برای همیشه از میان بردارد؛ اما بر خلاف خواست رژیم صهیونیستی، گشوده شدن جبهه جنگ نرم و رویارویی دو گفتمان دفاع و تجاوز در جنگ روایت‌ها، این رژیم را با چالش جدی روبرو ساخت. پرسش اساسی این است که در جنگ روایت‌ها در غزه کدام یک از دو گفتمان مقاومت یا اشغال در جایگاه برتر قرار دارند؟ این نوشتار با استفاده از روش و نظریه گفتمان به پاسخ این پرسش می‌پردازد. بر اساس نظریه گفتمان، دو گفتمان تجاوز و دفاع در مواجهه با یکدیگر تلاش می‌کنند تا ضمن برجسته‌سازی عناصر هویتی خویش و بازنمایی منفی از هویت گفتمان رقیب، خود را در جایگاه گفتمان مسلط قرار دهند و گفتمان رقیب را به

* **استاد به این مقاله:** سجادی، سید عبدالقیوم. (۱۴۰۳). جنگ روایت‌ها؛ تقابل گفتمان دفاع و تجاوز در غزه. علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۷)، صص ۱۰۹-۱۳۶.

<https://doi.org/10.22081/psq.2025.70343.2917>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقر العلوم علیه السلام قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲



حاشیه رانند. رژیم اسرائیل در جنگ دو روایت، تلاش می‌کند هویت دفاع را برای خود بازنمایی کند و گفتمان رقیب را با دالّ تروریسم تعریف نماید. در مقابل جریان مقاومت می‌کوشد با استناد به عملکرد چندین ساله اشغالگری رژیم صهیونیستی و سیاست قتل و کشتار دسته‌جمعی مردم غزه، هویت تروریستی، اشغالگری و تجاوزگری رژیم اشغالگر را برجسته سازد. یافته‌های پژوهش با استفاده از روش و نظریه گفتمان نشان می‌دهد که رژیم اسرائیل در جنگ روایت‌ها با شکست روبرو گشته و گفتمان دفاع و مقاومت در جایگاه برتر قرار دارند. جنگ نرم و تقابل روایت‌ها در غزه با پشتیبانی رسانه‌ها و انعکاس سیاست کشتار گسترده، زمینه‌های هژمونیک شدن گفتمان مقاومت را فراهم ساخت. تثبیت هویت مقاومت در گستره جهانی، مشروعیت‌زدایی فزاینده از رژیم صهیونیستی، به حاشیه‌رانده شدن گفتمان سازش، افزایش نفرت عمومی علیه گفتمان تجاوز و بازنمایی تصویر فریکارانه حقوق بشر آمریکایی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ روایت‌ها در غزه بود. هر یک از عناصر یادشده در نهایت به برتری گفتمان مقاومت و شکست گفتمان تجاوز در گسترده منطقه‌ای و جهانی انجامیده است. تبدیل شدن هویت تجاوز و اشغالگری رژیم صهیونیستی به تصور جمعی جامعه جهانی، گسترش انزجار و نفرت از سیاست سرکوب و تجاوز اسرائیل و شکل‌گیری موج تازه افکار عمومی در حمایت از گفتمان مقاومت و مخالفت با گفتمان تجاوز، ناکامی گفتمان اشغال و تجاوز و برتری گفتمان دفاع و مقاومت فلسطین را بازنمایی می‌کند. نتیجه اینکه به‌رغم سیاست قتل و کشتار گسترده مردم غزه و فلسطین، اسرائیل در دستیابی به اهداف خود ناکام مانده است و در نهایت در جنگ روایت‌ها، گفتمان دفاع و مقاومت به تصور عمومی جامعه جهانی تبدیل شده و در جایگاه برتر قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها

طوفان‌الاقصى، جنگ روایت‌ها، گفتمان دفاع، گفتمان تجاوز، رژیم اشغالگر قدس، غزه.

مقدمه

نقش مهم قدرت نرم در مدیریت افکار عمومی و بازنمایی سیاست کشتار جمعی و جنایت جنگی اسرائیل، چالش بزرگی در برابر سیاست‌های سرکوب‌گرایانه این رژیم به شمار می‌آید. رژیم اسرائیل تاکنون به‌رغم کشتار وسیع افراد غیرنظامی و نابودی شهر و کاشانه مردم غزه، از دستیابی به اهداف نامشروع و نابودسازی جریان مقاومت ناکام مانده است. شکل‌گیری جریان طوفان‌الاقصى همچنان که در عرصه نظامی و امنیتی رژیم اشغالگر را با چالش جدی روبرو ساخت، جبهه نفس‌گیر جدیدی را علیه این رژیم گشود؛ جبهه‌ای که در آن دو روایت دفاع و اشغال رویاروی هم قرار گرفتند. نقش رسانه‌ها در بازنمایی چهره اشغال و تجاوز و برجسته‌سازی تصویر چهره دفاع ملت مظلوم فلسطین چالش جدی و جدیدی را در برابر این رژیم ایجاد کرد. شکل‌گیری افکار عمومی علیه سیاست زمین سوخته رژیم اسرائیل بی‌شک سیاست جنگی و تجاوزگرانه این رژیم را بیش از پیش آشکار ساخت. جنگ روایت‌ها با محتوای قدرت نرم جنبه مهم جریان طوفان‌الاقصى است که چالش‌های جدی و جدیدی را علیه سیاست سرکوب و نابودسازی اسرائیل به راه انداخت. در این جنگ دو روایت دفاع و تجاوز رو در روی هم قرار گرفته‌اند و هر کدام می‌کوشند تا از طریق بازنمایی خود با مفهوم دفاع، برای دشمن هویت متجاوز را تصویر سازند. در حالی که ملت مظلوم فلسطین سالیان متمادی قربانی سیاست تجاوز و اشغالگری رژیم صهیونیستی بوده‌اند و طوفان‌الاقصى تنها بخشی از اقدام دفاعی مشروع این ملت در برابر اشغال شمرده می‌شود، رژیم اسرائیل برای توجیه اقدامات سرکوب‌گرایانه خود و جلب حمایت‌های افکار عمومی جامعه جهانی تلاش می‌کند روایت تجاوز را با دفاع مشروع جابجا کند و از این طریق روایت مقاومت و دفاع را بی‌اعتبار سازد. از سوی دیگر بازتاب جنایت‌های ضد انسانی رژیم اسرائیل در غزه که رسانه‌های رسمی و افراد عادی به گونه‌ای بی‌سابقه در انعکاس آن نقش ایفا کردند، جنگ روایت‌ها را به عنوان چالشی جدی در برابر اسرائیل مطرح ساخت. رژیم اسرائیل که در پی حذف و نابودی کامل جریان دفاع و مقاومت در غزه و فلسطین بود، بی‌پروا و جنون‌آمیز سیاست زمین سوخته، ویران‌سازی

اماکن و نابودسازی شهروندان و غیرنظامیان را در پیش گرفت. اما تصویر ماجرای غزه و بازنمایی موجه روایت دفاع و مقاومت سبب شد سیاست جنگی این رژیم با بن‌بست و ناکامی روبرو گردد. سرنوشت جنگ روایت‌ها تاکنون به نفع روایت دفاع و مقاومت رقم خورده است. این نتیجه تأثیرات جدی و ژرفی به جای گذاشت که مجموع این نتایج از شکست و ناکامی روایت تجاوز و اشغال صهیونیست‌ها حکایت دارد؛ بنابراین پرسش اساسی این است که جنگ روایت‌ها چه نتایج و پیامدهایی داشته است؟ در این نوشتار تلاش می‌شود تا با استفاده از نظریه و روش گفتمان لاکلاو و موف پاسخ پرسش یادشده مطالعه و بررسی گردد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد رژیم اشغالگر اسرائیل به رغم تلاش مذبح‌خانه برای کشتار گسترده مردم و تخریب وسیع شهر و کاشانه مردم مظلوم فلسطین، در جنگ روایت‌ها با شکست سنگین روبرو شده است. تثبیت هویت مقاومت، برجسته‌سازی هویت دفاع و مقاومت، به حاشیه‌راندن هویت اشغال و تجاوز، امتناع عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی و شکل‌گیری تصور جمعی منفی علیه حامیان اسرائیل از پیامدهای مهم جنگ روایت‌ها و از نمودهای شکست روایت تجاوز در جریان طوفان‌الاقصی است.

۱. روش و نظریه

همچنان‌که اشاره شد، این پژوهش با استفاده از روش و نظریه گفتمان تلاش می‌کند به بررسی جنگ روایت دفاع و تجاوز در جریان طوفان‌الاقصی بپردازد. نظریه گفتمان و کاربست آن به عنوان چارچوب تحلیلی در علوم سیاسی پیشینه چندانی ندارد. با این همه، این نظریه به دلیل ظرفیت و توانمندی جهت تبیین و توصیف رخدادهای سیاسی و اجتماعی، توانسته است جایگاه درخور توجهی را در میان پژوهشگران علوم سیاسی به دست آورد. در مورد اینکه گفتمان یک نظریه است یا روش، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در برخی از نوشته‌ها از گفتمان به عنوان روش یاد شده و در برخی از منابع از نظریه گفتمان یاد کرده‌اند. با این همه با توجه به رابطه دوسویه و نزدیک روش و نظریه و با عنایت به کاربست گفتمان برای تجزیه و تحلیل موضوعات سیاسی و

بین‌المللی، می‌توان گفت گفتمان در هردو قامت روش و نظریه می‌تواند به کار رود. گفتمان به عنوان روش و شیوه تجزیه و تحلیل مسائل کاربرد قابل توجهی دارد؛ همچنان که گفتمان به عنوان نظریه نیز برای توصیف و تبیین پرسش‌ها و مسائل مورد بحث در مباحث علوم سیاسی و روابط بین‌المللی به کار رفته است (سجادی، ۱۳۹۹، ص. ۳۳).

مفهوم گفتمان دارای یک تعریف روشن و مورد اجماع نیست. در تلقی فوکو، گفتمان مجموعه‌ای از احکام و گزاره‌ها تعریف شده است که در یک زمان به وحدت می‌رسند. از نظر لاکلاو و موف، گفتمان حوزه‌ای است که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در آن به صورت شبکه‌ای در می‌آیند و معنایشان در آنجا به طور موقت تثبیت می‌شود؛ به بیان دیگر گفتمان یک کلیت ارتباطی است که در درون آن معنا پیوسته بازسازی و ساخته می‌شود؛ زیرا امکانی بودن از ویژگی‌های اساسی گفتمان است و بر این اساس گفتمان‌ها همواره در معرض بی‌ثباتی قرار دارند. یک گفتمان، تلاشی است برای تبدیل عناصر^۱ به دقایق^۲ از راه فروکاستن چندگانگی معنایی آنها به معنایی که به طور موقت تثبیت شده است. گفتمان‌ها می‌کوشند از راه تبدیل عناصر به دقایق و تقلیل معانی متعدد دال‌های شناور^۳ دال‌ها را در یک معنای خاص به انجماد^۴ موقت رسانیده و به این ترتیب، ابهام معنایی را برطرف می‌سازند؛ ولی ماهیت اقتضایی^۵ گفتمان مانع از تثبیت کامل معنا می‌شود؛ زیرا وجود احتمال‌های معنایی در حوزه گفتمانی همواره ثبات معنا را تهدید می‌کند. دال‌ها همواره به طور بالقوه چندمعنایی باقی می‌مانند؛ به گونه‌ای که هر زمانی احتمال بروز معناهای دیگر از راه لبریزشدن حوزه گفتمان‌گونه‌گی^۶ وجود دارد. عمل انجماد معنایی یک نشانه در یک معنا عملی موقتی است و از این رو برجسته‌سازی^۷ معنایی

1. Elements.

2. Moments.

3. floating signifier.

4. Closure.

5. Ontingent.

6. field of discursivity.

7. Foreground.

دیگر نشانه توسط گفتمان دیگر همواره محتمل است. امکانی بودن معانی نشانه‌ها و فراهم بودن زمینه برجسته‌سازی معانی دیگر با گفتمان‌های دیگر به معنای آن است که گفتمان‌ها دارای ماهیت مشروط و محتمل هستند و برای تثبیت معانی نشانه‌ها در حال رقابت‌اند. اهمیت نظریه لاکلاو و موف در این است که آنان مدل زبان‌شناختی سوسور و ساخت‌گرایانه فوکو را به عرصه سیاست کشاندند و با عرضه مفهوم‌هایی همچون ایدئولوژی، هویت، غیریت، هژمونی و امر سیاسی در پی توضیح و تبیین چگونگی پیدایش گفتمان بر می‌آیند.

گفتمان‌ها از طریق ارجاع دال‌های شناور به دال مرکزی به آنها معنا بخشیده و از این طریق به خود هویت می‌بخشند. دال‌های شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف در صدد معنادهی آنها به شیوه خاص می‌باشند. این معانی شناور در درون یک گفتمان، گرد یک نقطه مرکزی^۱ به طور جزئی تثبیت می‌شوند. نقطه مرکزی نشانه‌ای برجسته است که نشانه‌های دیگر در پرتو آن نظم می‌یابند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند (Laclau & Mouffe, 2000, p. 254). البته نقطه‌های مرکزی هم دال‌های شناور به شمار می‌آیند؛ ولی تفاوت در این است که نقطه مرکزی به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه به حالت انجماد درآمده باشد؛ ولی دال شناور به حالتی اشاره دارد که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت برای تثبیت معنا شناور و معلق است. مفصل‌بندی، ناظر به فرایندی است که طی آن عناصر متفاوتی از نشانه‌ها که جدا از هم به معانی خاصی ارجاع نمی‌دهند، وقتی در یک نظم زبانی منطقی قرار می‌گیرند، هویت جدیدی را به دست می‌آورند. از نظر فیلیپس و یورگنسن، هر عملی را که به برقراری رابطه‌ای میان عناصر بینجامد، به گونه‌ای که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم (فیلیپس و یورگنسن، ۱۳۹۵)؛ به بیان دیگر مفصل‌بندی به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو می‌پردازد (هوارث، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۳). به بیان لاکلاو و موف، مفصل‌بندی عملی است که به تأسیس رابطه میان تعدادی از

1. Nodal point.

هویت‌ها می‌انجامد؛ به گونه‌ای که آن هویت‌ها به صورت دو سویه تعریف می‌شوند (Laclau & Mouffe, 1985, p. 254). طی فرایند مفصل‌بندی، عناصر درون یک گفتمان معانی خاص یافته و به دقایق تبدیل می‌شوند؛ بنابراین عمل مفصل‌بندی همواره از راه کاهش احتمالات یا ترک معانی مفاهیم صورت می‌گیرد. این امر به معنای آن است که مفصل‌بندی به تثبیت موقت نشانه‌ها در معانی می‌انجامد. لاکلاو و موف برای توضیح فرایند تثبیت جزئی معانی و هویت از دو مفهوم «هژمونی»^۱ و «غیریت‌سازی»^۲ بهره می‌گیرند. غیریت‌سازی از درون تلاش گفتمان‌ها برای معنادهی به نشانه‌ها تولید می‌گردد و از جهات مختلف برای گفتمان‌ها اهمیت دارد. غیریت‌سازی برای ترسیم مرزهای هویتی و سیاسی و نیز محتمل‌بودن گفتمان‌ها اهمیت دارد (هوارث، ۲۰۰۰، ص. ۱۶۵).

هژمونی در مفهوم رایج، به سیادت، رهبری و نفوذ اشاره دارد؛ ولی در تلقی لاکلاو و موف هژمونی به همان‌سان که بیانگر رهبری سیاسی است، دالّ بر رهبری ذهنی – روانی است. این رهبری بر اساس یک شکل‌بندی گفتمانی به دست می‌آید. فرض نیروی هژمونیک در مواردی است که رابطه‌ای میان عناصر برقرار شود. در چنین رابطه‌ای عناصر هویت نخستین خود را از دست می‌دهند تا جزئی از یک گستره معنایی به شمار آیند؛ بنابراین همیشه در بستر یک گفتمان هژمونیک‌شده، عناصر در روابط نزاع‌آمیز از قدرت و مقاومت وارد می‌شوند. در چنین وضعی همواره گفتمان هژمونیک دالّ‌های شناور را معنا می‌بخشد. لاکلاو و موف از راه انکار عینیت‌گرایی^۳ و ذات‌گرایی^۴، تغییرهای ژرفی را در نظریه گرامشی ایجاد می‌کنند. از نظر اینان، بر خلاف گرامشی که به وجود طبقات اجتماعی عینی و مولود اقتصاد معتقد است، گروه‌ها و طبقات اجتماعی مخلوق فرایندهای سیاسی و گفتمانی هستند. از اینجا لاکلاو و موف وارد مفهوم جدید «اولویت سیاست» در نظریه گفتمانی خود می‌شوند. بر اساس نظریه

1. Hegemony.

2. Antagonism.

3. Objectivism.

4. Essentialism.

لاکلاو نظام روابط اجتماعی که مجموعه مفصل‌بندی‌شده‌ای از گفتمان‌هاست، خود بر ساخته امر سیاسی است؛ از این رو نظام‌های اجتماعی با خصلت سیاسی خود در برابر نیروهایی که در فرایند سیاسی ایجاد می‌شوند، آسیب‌پذیرند.

در دیدگاه لاکلاو و موف گفتمان‌ها برای هژمونیک‌شدن از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. در اینجا نقش ایدئولوژی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. ایدئولوژی نه ایده جهان‌شمول و حقیقت‌محور، بلکه ابزاری است که به واسطه آن گروه‌های سیاسی عناصر ویژه خود را در درون یک گفتمان خاص هژمونیک می‌سازند و در نتیجه شکل‌گیری یا انحلال گفتمان از راه هژمونی امکان‌پذیر می‌گردد. از سوی دیگر ایدئولوژی سهم قابل توجهی در فرایند غیرت‌سازی دارد. غیرت‌سازی فرایندی است که در نظریه لاکلاو و موف هویت‌های متکثر و متن‌گرای از راه آن به وحدت می‌رسد. گفتمان‌ها از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت میان «خود» و «دیگر» که ایدئولوژی در آن نقش مهم دارد، هویت خود را کسب می‌کنند. ضدیت نزد اینان در این عقیده پساساختارگرایانه ریشه دارد که آگاهی یک سوژه عقلانی بر پایه پس‌زدگی یا تنزل شأن دیگری استوار است.

در نظریه گفتمانی لاکلاو و موف روایت گفتمان هژمون سازنده ذهنیت و تصور جمعی درباره پدیده‌های سیاسی است. زمانی که یک گفتمان معانی مورد نظر خود از نشانه‌ها را به تصور جمعی جامعه تبدیل سازد، در جایگاه گفتمان هژمون می‌نشیند (سجادی، ۱۳۸۴، ص. ۶۲). گفتمان‌ها برای هژمون‌شدن و رهبری افکار عمومی جامعه همواره و همیشه در حال منازعه و رقابت هستند. آنچه به عنوان جنگ روایت‌ها و جنگ نرم مطرح می‌شود، در واقع منازعه بر سر تعریف هویت سیاسی است که از طریق معناداری به دال‌ها و نشانگان سیاسی انجام می‌گیرد؛ برای مثال دالّ دفاع یا تجاوز به عنوان دالّ مرکزی دو روایت، در عملیات طوفان‌الاقصی رو در روی هم قرار می‌گیرد. هر دو طرف منازعه تلاش می‌کند تا هویت سیاسی خود را با ارجاع به دالّ دفاع و هویت سیاسی طرف مقابل را با ارجاع به دالّ تجاوز تعریف و بازنمایی کند. به طبع این بازنمایی در صورتی که هژمون شود و به تصوّر جمعی افکار عمومی تبدیل گردد، پیامدهای

جدی و مهمی برای دو طرف منازعه خواهد داشت. هژمونیک شدن یک گفتمان بیشتر از طریق قابلیت اعتبار و دردسترس بودن حاصل می‌گردد. منظور از اعتبار موجه‌سازی روایت و مقصود از دردسترس بودن پاسخگویی به پرسش‌ها و کارآمدی گفتمان در حل پرسش‌ها و نیازهاست.

۲. جنگ دو روایت دفاع و تجاوز در غزه

همان‌گونه که گذشت، جنگ روایت‌ها در غزه جبهه جدیدی را علیه سیاست اشغال و تجاوز اسرائیل گشود و چالش جدی و جدیدی را علیه این رژیم ایجاد کرد. رژیم اشغالگر در جنگ نرم روایت‌ها که با کارگزاری رسانه‌ها و تصویرسازی هویت‌های دفاع و تجاوز همراه است، شکست سنگین و جبران‌ناپذیری را متحمل گردید. این شکست حتی با پیروزی اسرائیل در جبهه جنگ سخت‌افزاری قابل جبران نخواهد بود. تثبیت هویت روایت دفاع و مقاومت در افکار عمومی جهانی، هژمون شدن روایت دفاع، بازنمایی چهره واقعی حقوق بشر آمریکایی، امتناع سیاست عادی‌سازی روابط با اسرائیل و درحاشیه‌راندن گفتمان سازش از مهم‌ترین پیامدهای جنگ روایت‌ها بود که هر کدام نمادی از شکست رژیم اشغالگر در این جنگ است. در این نوشتار برجسته شدن گفتمان دفاع و درحاشیه‌قرار گرفتن گفتمان تجاوز اسرائیل در جنگ غزه به عنوان فرضیه مطرح گردیده است. برای اثبات این فرضیه از روش تحلیل گفتمانی و نظرسنجی‌های انجام‌شده استفاده می‌شود. این نظرسنجی‌ها را نهادهای معتبری مانند انیسیتو خاورمیانه،^۱ مؤسسه گالوب،^۲ مرکز عربی تحقیق و مطالعات سیاست،^۳ مؤسسه ایپسوس^۴ انگلیس و مرکز مطالعات و تحقیقات فلسطین^۵ انجام داده‌اند.

1. Middle East Institute.

2. Gallup Institute.

3. Arab Center for Policy Research and Studies.

4. Ipsos.

5. Palestine Studies and Research Center.

۲-۱. تثبیت هویت سیاسی مقاومت

تشکیل هویت جمعی در گفتمان لاکلاو و موف از راه تقلیل گرایی در احتمالات هویت یابی صورت می گیرد؛ فرایندی که به واسطه آن بعضی از احتمال های هویت یابی مناسب تلقی گردیده و احتمال های دیگر نادیده گرفته می شود و به پیدایش هویت جمعی می انجامد. جهت تبیین این فرایند، لاکلاو و موف از دو مفهوم منطق هم ارزی و منطق تفاوت بهره می جویند. هویت های هم ارز در میان عناصر مختلف عمل می کنند و در پی تبیین روابط غیرت سازانه ای^۱ هستند که ساختار فضای سیاسی حاکم بر جامعه را تعیین می کند. در این فرایند، هویت های خاصی در کنار هم به صورت خطی مرتب می شوند و در برابر هویت های منفی دیگری قرار می گیرند که به نظر می رسد تهدید کننده آنها باشد. مفهوم بازنمایی^۲ عاملی مهم در فرایند تشکیل گروه است؛ زیرا گروه ها تنها با بازنمایی موجودیت می یابند. مطابق نظر لاکلاو و موف گروه های اجتماعی عینی وجود ندارد؛ زیرا گروه ها همواره از راه ساخت های هم ارزی محتمل و مشروط میان عناصر مختلف شکل می گیرند. تشکیل گروه و بازنمایی آن هم زمان اتفاق می افتد. تا کسی درباره گروه صحبت نکند، آن گروه شکل نمی گیرد (Laclau & Mouffe, 2000). تقابل گفتمانی میان گفتمان دفاع و تجاوز زمانی جدی می شود که گفتمان دفاع از یک سو با ارجاع به دال مرکزی اسلام به بازسازی خود می پردازد و از سوی دیگر به واسازی و شالوده شکنی گفتمان تجاوز می پردازد؛ زیرا گفتمان اسلامی به صورت همزمان در هر دو بُعد ایجابی و سلبی خود را باز نمایی می کند (Fuller, 2003, p.12).

جریان طوفان الاقصی با گشودن باب جنگ روایت ها، جبهه تازه ای از مقاومت در برابر اشغال را گشود. دو گفتمان دفاع و تجاوز در بازنمایی حوادث خونین غزه در برابر هم به تصویرسازی پرداخت. جنگ روایت ها افکار عمومی را در رخداد غزه و سیاست نسل کشی اسرائیل در این منطقه حساس تر ساخت. بازنمایی هویت سیاسی جریان

1. relations antagonism.

2. Representation.

مقاومت و دفاع در دو بُعد ایجابی و سلبی دنبال گردید: در بُعد ایجابی جریان مقاومت تلاش کرد تا هویت مظلوم مقتدر را با ارجاع به دالّ مرکزی دفاع برجسته سازد و اقدام خود را از طریق استناد به حق انسانی و مشروع دفاع از حقوق ملت فلسطین موجه‌سازی کند. در بُعد سلبی نیز از طریق برجسته‌سازی هویت تجاوز و اشغالگری رژیم صهیونیستی، در پی مشروعیت‌زدایی از اقدام و رفتار این رژیم برآمد. بازنمایی ستم و تجاوز و سیاست نابودسازی رژیم اشغالگر، این امکان را برای روایت دفاع و مقاومت فراهم می‌ساخت تا با ارجاع به پیشینه تاریخی تجاوز و اشغال و استناد به سیاست نسل‌کشی و جنایت جنگی، هویت سیاسی تجاوز و اشغال را برای افکار عمومی برجسته‌سازی کند و به تصور جمعی تبدیل سازد.

جریان طوفان‌الاقصى بر بستر تاریخی مبارزات ممتد و طولانی ملت فلسطین در برابر اشغالگری رژیم اسرائیل شکل گرفت. درحالی‌که این جریان برای دفع تجاوز و دفاع از سرزمین و حقوق مشروع ملت فلسطین عرض اندام کرد، رژیم اشغالگر قدس کوشید از همان آغاز، جریان مقاومت و دفاع را ذیل عنوان مفهوم تجاوز بازنمایی کند. روایت تجاوز و اشغال نیز در دو بُعد ایجابی و سلبی وارد جنگ روایت‌ها گردید. از منظر ایجابی تلاش کرد تا هویت سیاسی خود را ذیل مفهوم مرکزی دفاع به عنوان حق مشروع انسانی صورت‌بندی نماید و از منظر سلبی نیز کوشید هویت سیاسی روایت دفاع و مقاومت را به حاشیه راند و از روایت دفاع و مقاومت ملت فلسطین مشروعیت‌زدایی کند و هویت سیاسی جریان مقاومت را با ارجاع به دالّ مرکزی تجاوز و تروریسم بازنمای نماید. رویارویی دو روایت دفاع و تجاوز به گونه‌ای جدی بیانگر منازعه سیاست هویت بود که دو طرف منازعه در پی برجسته‌سازی هویت سیاسی مدافع برای خود و هویت سیاسی متجاوز برای رقیب برآمدند. در جنگ روایت‌ها هویت سیاسی متجاوز و تروریسم دولتی تلاش می‌کند تا هویت سیاسی خود را با ارجاع به دالّ مرکزی دفاع برجسته سازد و جانب مقابل را در جایگاه متجاوز تعریف کند. اما نظرسنجی‌های انجام‌یافته نشان می‌دهد که گفتمان اشغال در ایجاد اقلان‌سازی و جلب حمایت افکار عمومی ناکام مانده است؛ برای نمونه نظرسنجی مؤسسه گالوپ نشان

می‌دهد که میزان حمایت از جنگ اسرائیل در میان شهروندان آمریکا تنها ۳۶٪ بوده است (Gallop, 2024).

بر اساس تحلیل گفتمانی، جنگ روایت‌ها برای بازنمایی رخدادها در چارچوب هویت سیاسی ادامه می‌یابد. هویت‌سازی دو طرف جنگ با استناد به دالّ مرکزی دفاع و تجاوز در مقابل همدیگر قرار می‌گیرد. رسانه‌های بی‌طرف و انعکاس‌دهنده رخداد‌های خونین غزه نقش مهمی در پیروزی روایت مقاومت در جنگ روایت‌ها داشت. شکل‌گیری فشار افکار عمومی علیه رژیم اسرائیل و محکومیت سیاست جنگی و جنایت این رژیم نشان می‌دهد که در جنگ روایت‌ها رژیم اسرائیل شکست سنگینی را متحمل گردیده است. دامنه این شکست آن‌چنان گسترده بوده است که هویت واقعی حامیان رژیم اسرائیل را نیز بیش از پیش آشکار کرده و حمله‌های تند افکار عمومی را متوجه آنان ساخت. نظرسنجی مؤسسه پیو^۱ نشان می‌دهد که یک سوم از بزرگ‌سالان زیر سی سال آمریکایی می‌گویند که همدردی آنها به طور کامل یا بیشتر با مردم فلسطین است (pew research, 2024/21/3)؛ این در حالی است که تنها ۱۴ درصد با اسرائیلی‌ها احساس همدردی دارند. بازتاب شکست روایت تجاوز و اشغال را در اعتراف آشکار وزیر خارجه آمریکا به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد؛ درحالی که وی دلیل انتقادهای گسترده از اسرائیل را غیر واقعی و به فضای مجازی مربوط دانست (روزنامه اینترنتی فراز، ۱۴۰۳/۲/۱۷)؛ اما واقعیت این است که به باور افکار عمومی اقدام اسرائیل جهت کوچ اجباری، کشتار غیرنظامیان، تجاوز، تحقیر، تخریب بیمارستان‌ها و مؤسسه‌های مذهبی مصداق جنایت جنگی است. در نظرسنجی مؤسسه تونی بلر (TBI, 2024) که در جولای و اگوست ۲۰۲۴م. انجام یافت، ۸۵٪ افراد در غزه، ۸۲٪ در کرانه باختری و ۸۱٪ در بیت المقدس گزارش جنایت جنگی اسرائیل را تأیید کردند؛ بدین ترتیب می‌توان گفت اگر طوفان الاقصی مسئله فلسطین را به یک مسئله عمومی و جهانی تبدیل کرد، کشتار گسترده فلسطینیان واکنش ضد انسانی رژیم اسرائیل، بیش از پیش به هژمونیک شدن

1. <https://www.pewresearch.org/2024/03/21/majority-in-u-s-say-israel-has-valid-reasons-for-fighting-fewer-say-the-same-about-hamas/>

گفتمان مقاومت در جنگ روایت‌ها انجامید. رنج و درد مداوم انسان در غزه عنوانی بود که در گفتار برخی از تحلیل‌گران آمریکایی در بازنمایی تصویر منفی رژیم اشغالگر قدس نقش مهم و مؤثری را ایفا کرد (روزنامه انترنیتی فراز، ۱۴۰۳/۲/۱۷)؛ اما این رنج و درد تنها بازنمایی و تصویرسازی رسانه‌ای نبود؛ بلکه واقعیت دردناکی بود که گفتمان اشغالگری برای سرکوب انسان‌های مظلوم انجام داد. انتقاد افکار عمومی از رژیم اسرائیل نشان می‌دهد که در جنگ روایت‌ها، روایت دفاع در جایگاه برتر نشست و توانست همدلی اکثریت افکار عمومی را با خود همراه سازد. این همراهی نه تنها در کشورهای اسلامی که در جوامع غربی نیز اتفاق افتاد. مطابق نظرسنجی یک نهاد بریتانیایی که از میان ۱۹۱۳ تن از جوانان این کشور انجام یافت، ۵۷٪ از جوانان اسرائیل را مسئول وضعیت دردناک غزه دانستند (Ipsos, 2024).

۲-۲. عینیت و عادی‌سازی روایت تجاوز

لاکلاو و موف زیر عنوان سیاست و عینیت اشاره می‌کنند سیاست فرایندی است که در آن ما همواره به شیوه‌ای اجتماع را می‌سازیم که شیوه‌های دیگر طرد می‌شود؛ بنابراین گفتمان‌ها بر سر شیوه ساماندهی جامعه با هم به رقابت می‌پردازند؛ ولی گاه یک گفتمان و شیوه‌های ساخت اجتماعی توسط آن، چنان موجه و طبیعی جلوه می‌کند که امکان تصوّر جایگزین در وضع موجود غیرممکن به نظر می‌رسد. به این دسته از گفتمان‌ها «گفتمان عینی» یا گفتمان هژمون گفته می‌شود. گفتمان عینی چنان تثبیت شده است که زیرسؤال‌بردن آن نامحتمل می‌نماید. عینیت نتیجه تاریخی فرایندها و نزاع‌های سیاسی است. عینیت گفتمان رسوب کرده است و در نتیجه مرز میان عینیت و امر سیاسی مرز سیال و تاریخی است. در برداشت لاکلاو و موف، عینیت گفتمانی ناظر به گفتمانی است که بدیل‌هایش طرد شده است. از نظر وی مفهوم هژمونی در میان عینیت و سیاست قرار دارد. نزاع سیاسی از دخالت‌های هژمونیک راه را به عینیت می‌گشاید. حرکت و توسعه از نزاع سیاسی (سیاست) به عینیت از طریق دخالت‌های هژمونیک ممکن می‌شود. عینیت با ایدئولوژی برابر است و شرایط امکانی و تصادفی را پنهان می‌کند.

عادی سازی روابط دیپلماتیک کشورهای عربی و اسلامی یکی از اهداف مهمی است که از دیرباز تاکنون در دستور کار رژیم اشغالگر و حامیان منطقه ای و بین المللی شان قرار داشته است. سیاست عادی سازی روابط کشورهای منطقه با اسرائیل نیز یکی از محورهای مهم سیاست خارجی آمریکا با عنوان «پروژه سازش» در خاورمیانه را تشکیل می دهد. این امر برای آمریکا از چنان اهمیتی برخوردار بود که بخشی از شرایط همکاری آمریکا با کشورهای عربی و اسلامی منطقه محسوب می شود. آمریکا و اسرائیل در این راستا بی وقفه می کوشند و این تلاش ها همچنان ادامه دارد. به احتمال قوی می توان گفت اگر جریان طوفان الاقصی اتفاق نمی افتاد، احتمال وقوع سیاست عادی سازی روابط کشورهای منطقه با اسرائیل روز به روز افزایش می یافت. هژمونیک شدن گفتمان تجاوز و اشغال در ماجرای طوفان الاقصی نیز تحقق این مهم را تسریع می ساخت. اما هژمونیک شدن گفتمان دفاع و مقاومت و سیاست ویرانگری و جنایت جنگی رژیم اسرائیل تصویر خشن، غیرعقلانی و ناموجه از این رژیم را بازنمایی کرد که در کوتاه مدت زمینه های عادی سازی روابط دیپلماتیک کشورهای عربی و اسلامی را با این رژیم از میان برداشت. روایت دفاع و مقاومت در جایگاه گفتمان هژمون به تصوّر جمعی افکار عمومی تبدیل گردید و از طریق بازنمایی موجه روایت دفاع و مقاومت، موج تازه ای از نفرت و انزجار عمومی به رژیم اسرائیل را در افکار عمومی کشورهای منطقه شکل داد. این موج به شالوده شکنی ساختار سیاسی رژیم اسرائیل و آشکارگی چهره خسونت و ترور این رژیم انجامید که در نهایت اجازه نخواهد داد سیاست عادی سازی آمریکا و اسرائیل به اجرا درآید. نظرسنجی های انجام شده افزایش قابل توجهی از مخالفت ها در جهان عرب را برای به رسمیت شناختن رژیم اسرائیل در برخی کشورها نشان داده است. شاخص افکار عمومی کشورهای عربی در سال ۲۰۲۲م. بر اساس هشتمین نظرسنجی در سراسر جهان عرب که از مصاحبه های حضوری با ۳۳۳۰۰ پاسخ گر در ۱۴ کشور عربی انجام شده است، نشان می دهد که ۸۴٪ مخالف به رسمیت شناختن اسرائیل هستند؛ در حالی که تنها ۸٪ به شرط تأسیس دولت مستقل فلسطین موافق شناسایی هستند (MEE, 2023).

در میان کشورهای عربی و اسلامی، تلاش آمریکا و اسرائیل برای عادی‌سازی روابط عربستان سعودی با این کشور بیش از همه دنبال گردید. با توجه به نقش و جایگاه دینی و فرهنگی عربستان سعودی در میان کشورهای اسلامی، عادی‌سازی رابطه این کشور با رژیم اشغالگر قدس اهمیت اساسی دارد. آمریکا و رژیم اشغالگر قدس تلاش‌های دیپلماتیک جدی و گسترده‌ای را در این زمینه دنبال کردند. عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و اسرائیل یکی از اهداف کلیدی دولت بایدن بود که همواره در مذاکرات فشرده با ریاض، از جمله درخواست عربستان برای آتش‌بس در غزه مطرح گردیده است. اما برتری روایت دفاع و مقاومت در جنگ روایت‌ها و برجسته‌سازی چهره تجاوز و جنایت توسط گفتمان مقاومت، باعث شکل‌گیری حساسیت و انزجار عمیق و گسترده افکار عمومی جهان اسلام علیه آمریکا و رژیم اشغالگر شد و تأمین این خواست را برای عربستان و کشورهای اسلامی پرهزینه ساخت. در نظرسنجی انجام‌شده از شهروندان عربستانی در مورد عادی‌سازی روابط این کشور با رژیم اشغالگر اسرائیل دیدگاه اکثریت شرکت‌کنندگان بیانگر مخالفت جدی با این امر است. این نظرسنجی نشان داد که درصد پاسخ‌دهندگان سعودی که مخالف به‌رسمیت‌شناختن اسرائیل هستند، از ۳۸ درصد در آخرین باری که این سؤال پرسیده شد (در ۲۰۲۲م.) به ۶۸ درصد افزایش یافته است؛ افزایشی که بیشتر به جنگ غزه مربوط می‌شود. بر اساس نظرسنجی مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، عادی‌سازی روابط با اسرائیل در میان شهروندان عربستان سعودی با ۹۶٪ مخالفت روبرو گردیده است (العالم، ۲/۱۰/۱۴۰۲).

۳-۲. هژمونی هویت مقاومت

هویت مقاومت در جنگ روایت‌ها بیش از هر زمان دیگر از جایگاه برتر در جهان اسلام و کشورهای عربی برخوردار گردید. روایت مقاومت و دفاع در جنگ روایت‌ها موفق شد خود را جهانی کند و افزون بر معرفی و بازنمایی موجه در سطح جهان اسلام و جهان همراهی و همدلی کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان را به گونه‌ای بی‌سابقه

ایجاد کند. ارتقای جایگاه آرمان ملت فلسطین در افکار عمومی کشورهای عربی و اسلامی از مهم‌ترین پیامدهای طوفان‌الاقصی و جنگ روایت‌ها در غزه است. مطرح‌شدن مسئله فلسطین به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل عربی و اسلامی بیانگر پیروزی روایت دفاع و مقاومت در برابر روایت جنگ و تجاوز است. درواقع روایت دفاع مشروعیت مبارزه برای احقاق ملت مسلمان فلسطین را به تصوّر جمعی افکار عمومی در کشورهای عربی و اسلامی تبدیل کرد. نظرسنجی مرکز عربی برای تحقیقات و مطالعات سیاست که در ژانویه ۲۰۲۴م. اعلام شد، نشان داد مسئله فلسطین به عنوان مهم‌ترین مسئله مشترک کشورهای عربی مطرح است. بنابر این نظرسنجی ۹۲٪ افراد با مردم فلسطین و غزه اعلام همبستگی کرده و ماجرای فلسطین را به همه کشورهای عربی مربوط دانسته‌اند؛ همچنین از میان تعداد ۸۰۰۰ نفر از چهارده کشور عربی، ۸۶٪ افراد جریان طوفان‌الاقصی را مشروع و موجه دانستند. طبق این نظرسنجی ۹۴٪ موضع آمریکا را منفی و ۸۲٪ آن را بسیار بد ارزیابی کردند. (Doha institute, 2024). ذهنیت منفی افکار عمومی این کشورها نشان می‌دهد که در جنگ روایت‌ها، روایت تجاوز و اشغال به حاشیه رانده شده و روایت دفاع و مقاومت به صورت برجسته بازنمایی گردیده است. می‌دانیم که جنگ روایت‌ها بر بنیان سیاست هویت و منازعه بر سر هویت‌سازی سیاسی استوار است. هویت‌سازی محور اصلی منازعه در جنگ روایت‌هاست. رژیم اشغالگر قدس تلاش کرد تا سیاست سرکوب و جنایت را با عنوان دفاع بازنمایی کند و از این طریق به مشروعیت‌سازی خود و سلب مشروعیت از طرف مقابل اقدام نماید. اما در این رویارویی، گفتمان دفاع و مقاومت تلاش کرد تا هویت تروریستی رژیم صهیونیستی را برجسته سازد و به تصوّر جمعی افکار عمومی تبدیل کند. بُعد سلبی این هویت‌سازی ناظر به مشروعیت‌زدایی از رفتار و اقدامات کشورهای است که در تعامل با رژیم اسرائیل قرار داشتند؛ از جمله در جریان طوفان‌الاقصی دیدگاه افکار عمومی دربارهٔ مواضع کشورهای همسو با اسرائیل یا کشورهایی دارای موضع خنثی، مورد نقد افکار عمومی قرار گرفت.

۴-۲. بازنمایی چهره حقوق بشر آمریکایی

بی‌شک یکی از پایه‌های هژمونی جهانی آمریکا ایدئولوژی لیبرالیسم است که به عنوان ابزار اقتاعی و ایجاد رضایت‌مندی به کار می‌رود. به گفته رابرت کاکس بلوک ضد هژمون از طریق بازنمایی این ایدئولوژی و آشکارگی محتوا و ماهیت آن می‌تواند از آن مشروعیت‌زدایی نماید؛ بنابراین قدرت هژمون همواره و همیشه تلاش می‌کند تا از طریق موجه‌نشان‌دادن خود، مشروعیت‌سازی برای جهت‌گیری‌های خود و نیز سیاست حمایتی خود، از مفاهیم جذاب و مقبول و ارزش‌های انسانی برای خود کسب اعتبار کند. بازنمایی چهره واقعی قدرت هژمون و آشکار کردن چهره واقعی آن، به مشروعیت‌زدایی و اعتبارزدایی از قدرت هژمون می‌انجامد. جنگ روایت‌ها در غزه از نظر افکار عمومی جامعه جهانی محک راستی‌آزمایی برای قدرت هژمون بود. حمایت آمریکا از جنایت جنگی رژیم صهیونیستی، بازنمایی تازه‌ای از حقوق بشر آمریکایی و سیاست ناموجه این کشور را برای افکار عمومی ارائه داد. در نظرسنجی مرکز عربی برای تحقیق و مطالعات سیاست، نگرش افکار عمومی در ۱۴ کشور عربی درباره سیاست آمریکا در قبال جنگ اسرائیل و غزه بسیار بد ارزیابی گردیده است. بنابر این نظرسنجی اکثریت قریب به اتفاق (۹۴٪) موضع آمریکا را منفی و ۸۲٪ آن را بسیار بد توصیف کردند؛ همچنین حدود ۷۷٪ آمریکا و اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید برای ثبات و امنیت منطقه عنوان کردند؛ همچنین این نظرسنجی نشان داد که موضع ۷۶٪ افراد پس از جنگ غزه و سیاست حمایتی آمریکا از اسرائیل منفی شده است (Doha institute, 2024).

سرکوب افکار عمومی حامی روایت دفاع و مقاومت در آمریکا و دیگر کشورهای غربی نمود تازه‌ای از تصویر حقوق بشر آمریکایی بود که برای جهانیان مخابره شد. رئیس‌جمهور آمریکا به طور رسمی درباره اعتراضاتی که در دانشگاه‌های آمریکا علیه سیاست‌های جنگی رژیم صهیونیستی در شهرهای مختلف آمریکا شکل گرفت، هشدار داد و این اعتراضات را به یهودستیزی پیوند داد (بی.بی.سی، ۱۴۰۳/۰۲/۱۳). در همین راستا برخی از کشورهای اروپایی که همواره با شعار دموکراسی و حقوق بشر برای خود هویت‌سازی می‌کنند، در برابر اعتراض افکار عمومی علیه رژیم اسرائیل واکنش نشان

دادند و معترضان را به مجازات سخت تهدید کردند. برخی از دولت‌های اروپای غربی از جمله آلمان، فرانسه و انگلیس مجازات‌های سختی برای اعتراض علیه اسرائیل در نظر گرفتند و حتی به دست گرفتن نمادها و پرچم فلسطین را جرم‌انگاری کردند (عصر ایران، ۱۴۰۳/۹/۱۲). درواقع تصویر جدیدی از حقوق بشر و آزادی‌های مدنی در گفتمان غربی و روایت حامیان تجاوز و اشغال بازنمایی گردید. این تصویر حکایت تلخ برخورد دوگانه کشورهای غربی با ارزش‌های انسانی است. تقابل دو گفتمان تجاوز و دفاع و قرار گرفتن کشورهای غربی و آمریکا در کنار گفتمان تجاوز، تصویر وارونه‌ای از حقوق بشر و دموکراسی غربی را به نمایش گذاشت. این تصویر وارونه را در نگرش شهروندان کشورهای عربی درباره‌ی موضع این کشورها در قبال فاجعه غزه می‌توان مشاهده کرد. در نظرسنجی مرکز عربی برای تحقیق و مطالعات سیاست، اکثریت پاسخ‌دهندگان نگرش منفی خود در قبال موضع کشورهای غربی را ابراز داشتند. پاسخ‌دهندگان درباره‌ی موضع کشورهای آمریکا، فرانسه، بریتانیا و آلمان در مورد جنگ غزه نگاه منفی ابراز داشتند و به ترتیب ۸۲٪، ۷۹٪، ۷۶٪ و ۷۵٪ مواضع این کشورها را ناپذیرفتنی دانستند (Doha institute, 2024)؛ بنابراین بازنمایی تصویر وارونه‌ی حقوق بشر غربی از دیگر نتایج جنگ روایت‌ها در غزه بود. نتیجه روشن این بازنمایی مشروعیت‌زدایی از شعارهای حقوق بشر غربی و اعتبارزدایی از سیاست‌های حقوق بشری این کشورها خواهد بود. جالب‌تر اینکه برای مقابله با افکار عمومی همسو با روایت دفاع و مقاومت و مخالفت با روایت جنگ و تجاوز رژیم اسرائیل، برخی از شرکت‌های بزرگ آمریکایی اعلام کردند در کارنامه‌ی جوانان و دانشجویان شرکت‌کننده در تظاهرات ضد اسرائیلی نمره منفی درج می‌شود و این امر موجب محرومیت این افراد از استخدام رسمی خواهد شد (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۳/۰۲/۱۲).

درواقع جنگ روایت‌ها، جنگ سیاست هویت و دارای ابعاد و گستره فراگیر و جهان‌شمول است. هویت‌سازی از طریق معنادهی به دال‌ها و نشانه‌ها تحقق می‌یابد. هویت‌سازی به قلمرو جغرافیایی محدود نیست؛ بلکه فراتر از آن دارای گستره فکری و فرهنگی است. ماهیت نرم جنگ روایت‌ها باعث عبور آن از مرزهای مکانی است و این

ویژگی سبب می‌شود روایت‌ها در عرصه عمومی و جهانی مورد بررسی و نقادی قرار گیرد؛ به همین دلیل زمانی که افکار عمومی درباره روایت تجاوزگری اسرائیل در غزه قضاوت می‌کنند، این قضاوت دامن حامیان رژیم اشغالگر را نیز در بر می‌گیرد. شکل‌گیری افکار عمومی علیه سیاست‌های حمایتی آمریکا از اسرائیل در نهایت تصویر ستم و تجاوز غرب را نیز به گونه‌ای بازنمایی می‌کند. تغییر در قضاوت افکار عمومی درباره آمریکا تنها بخشی از جلوه‌های جهان‌گستری جنگ روایت‌ها در غزه است؛ به همین دلیل می‌توان گفت نماد دیگر از پیروزی جریان مقاومت در جنگ روایت‌ها، همین تغییر افکار عمومی کشورهای منطقه و جهان درباره آمریکاست. از پیامدهای سیاست جنایت جنگی اسرائیل در غزه و حمایت آمریکا از گفتمان اشغال و تجاوز بود که در نظرسنجی از میان ۶۰۰۰ شهروند از کشورهای مختلف عربی، بیش از دو سوم پاسخ‌دهندگان آمریکا و اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت و ثبات منطقه دانستند (Doha institute, 2024). این امر نشان‌دهنده شکست گفتمان تجاوز و برتری گفتمان دفاع و مقاومت است.

در جنگ روایت‌ها نه تنها شاهد شکل‌گیری نفرت و انزجار عمومی علیه رژیم اشغالگر اسرائیل بودیم که در این جنگ، بازنمایی تازه‌ای از تصویر واقعی آمریکا به عنوان کشور داعیه‌دار دموکراسی و حقوق بشر، برای افکار عمومی صورت گرفت. تصویر واقعی که حکایت از رویکرد ابزاری کاخ سفید از مفاهیم انسانی و فریبنده حقوق بشر، حقوق اطفال، حقوق زن، آزادی و دموکراسی دارد. این بازنمایی در نهایت هژمونی جهانی آمریکا را نیز با چالش جدی روبرو خواهد ساخت. درواقع سیاست حمایتی آمریکا از سیاست زمین سوخته اسرائیل، چهره واقعی کاخ سفید را آشکار کرد و شعارهای حقوق بشری سیاستمداران این کشور را بی‌محتوا ساخت. روایت مقاومت همزمان با بازنمایی چهره اشغال و تجاوز اسرائیل، موفق شد تا چهره استکباری و ضد حقوق بشری آمریکا را از طریق انعکاس رنج و درد بی‌پایان مردم فلسطین، کشتار زنان و اطفال بی‌گناه بازنمایی کند و به تصوّر جمعی افکار عمومی جهان تبدیل نماید؛ به همین دلیل به طور متوسط ۸۲٪ افکار عمومی کشورهای عربی برخورد آمریکا با مسئله

غزه را بسیار بد توصیف کردند. درواقع بر اساس نظرسنجی مرکز غربی تحقیق و مطالعات سیاست، حمایت آمریکا از اسرائیل مهم‌ترین عامل در ادامه سیاست جنگی اسرائیل در غزه تلقی گردید (Doha institute, 2024). بازنمایی منفی از سیاست حمایتی آمریکا و غرب از سیاست جنگی اسرائیل، موج جدی از نارضایتی‌ها را در افکار عمومی این کشورها ایجاد کرد. رسانه‌های غربی از این موج با عنوان شکل‌گیری انتفاضه دانشجویان آمریکایی در اعتراض به سیاست حمایتی کاخ سفید سخن گفتند. این اعتراض‌ها به تدریج در دیگر کشورهای غربی نیز گسترش یافت و طبق گزارش‌ها پلیس فرانسه تظاهرات حامیان فلسطین را سرکوب کرد (خبرگزاری تابناک، ۱۴۰۳/۰۲/۷).

۵-۲. غیریت‌سازی و گفتمان سازش

غیریت‌سازی از ویژگی‌های مهم جنگ روایت‌هاست. روایت دفاع و مقاومت با ترسیم مرزهای تفاوت خود با روایت تجاوز هویت می‌یابد. روایت دفاع و مقاومت از طریق غیریت‌سازی تلاش کرد تا گفتمان سازش را به حاشیه راند و مرز تمایز خود از گفتمان دشمن را بر اساس مبارزه با ستم و تجاوز تعریف نماید. رژیم صهیونیستی از مدت‌ها قبل برای مهار خشم و عصیان جریان مقاومت، در کنار اعمال فشارهای نظامی و سرکوب مقاومت‌گران، سیاست سازش را نیز مورد توجه قرار داد و برای پیشبرد آن کوشید. سیاست سازش این رژیم با حمایت‌های غرب و آمریکا در پی ترغیب دولت‌های عربی و اسلامی برای حمایت از جریان مذاکره و سازش با هدف به انزواکشاندن گفتمان مقاومت و استحاله سیاسی مقاومت‌گران تعقیب می‌شد. این سیاست در برخی از مقاطع در تاریخ منازعه دامنه‌دار اسرائیل و فلسطین به گونه‌ای نسبی مؤثر و موفقیت‌آمیز بوده است. درواقع مبنای جریان سازش امکان تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز میان اسرائیل و ملت فلسطین بود که جریان طوفان‌الاقصی و سیاست جنگی رژیم اسرائیل بر آن خط بطلان کشید. سرکوب بی‌رحمانه مردم غزه و نابودی این شهر نشان داد که رژیم اسرائیل ماهیت شرور و جنگ‌طلبانه دارد و هیچ امیدی به سازش و همزیستی مسالمت‌آمیز با این رژیم وجود ندارد. در یک نظرسنجی «نزدیک به ۶۰

درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که در طول جنگ مطمئن شده‌اند که امکان صلح با اسرائیل وجود نخواهد داشت؛ درحالی‌که تنها ۱۳ درصد هنوز به امکان صلح اعتقاد دارند». اگر جریان سازش را بخشی از پروژه اسرائیلی-آمریکایی برای تحکیم پایه‌های رژیم اشغالگر تلقی کنیم، جنگ روایت‌ها با پیروزی روایت دفاع و مقاومت توانست با بازنمایی تصویر شرارت و تجاوز رژیم اسرائیل و حامیان بین‌المللی آن، روند سازش را با ناکامی روبرو سازد. در نظرسنجی وضعیت کشورهای عربی در مورد فلسطین ۲۰۲۲م. میزان مخالفت با عادی‌سازی روابط با اسرائیل (الجزیرا و موریتانی، ۹۹٪، لیبیا ۹۶٪، اردن ۹۴٪، عراق ۹۲٪ و تونس ۹۰٪) افزایش یافت. (MEE, 2023) افکار عمومی کشورهای عربی تقریباً در ردّ رسمیت یافتن اسرائیل هم‌نظر شده‌اند. در نظرسنجی ۲۰۲۴م.، ۸۹٪ نظر مخالف ابراز داشته‌اند که در مقایسه با نظرسنجی ۲۰۲۲م. افزایش جدی را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه افزایش درصد کسانی است که با رسمیت یافتن اسرائیل در عربستان سعودی از ۳۸ درصد در سال ۲۰۲۲م. به ۶۸ درصد در این نظرسنجی مخالفت کرده‌اند. چنین افزایش آمار قابل توجهی در مورد دیگر کشورها مانند مراکش نیز صدق می‌کند که این درصد از ۶۷ درصد به ۷۸ درصد و سودان از ۷۲ درصد به ۸۱ درصد افزایش یافته است (Doha institute, 2024).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار با استفاده از روش و نظریه گفتمان تلاش شد تا جنگ روایت‌ها در غزه تجزیه و تحلیل شود. مطابق روش گفتمانی منازعه بر سر هویت مسئله اصلی جنگ روایت‌ها در غزه بود که پس از جریان طوفان الاقصی به جد مطرح گردید. در جنگ روایت‌ها هر دو گفتمان دفاع و تجاوز در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و تلاش کردند تا تصویر خود از رخدادهای غزه و واقعیت‌های موجود سیاسی را به تصور جمعی افکار عمومی تبدیل سازند. درحالی‌که جریان مقاومت و ملت فلسطین که در جایگاه مدافع قرار دارند و همواره برای دفاع از حقوق مشروع ملت فلسطین مبارزه می‌کنند، رژیم اسرائیل به شیوه سیاست سرکوب و نابودسازی در پی مرعوب کردن جریان مقاومت و

از میان بردن جریان دفاع در برابر خود می‌باشد. این نوشتار با استفاده از نظرسنجی‌های انجام شده توسط نهادهای معتبر مانند انیستیتو خاورمیانه، مؤسسه گالوب، مرکز عربی تحقیق و مطالعات سیاست، مؤسسه ایپسوس انگلیس و مرکز مطالعات و تحقیقات فلسطین در مورد پیامدهای جنگ روایت‌ها در غزه به این نتیجه دست یافت که در گام نخست جنگ روایت‌ها جبهه جدیدی را علیه اشغال گشود و چالش جدی و جدیدی را در برابر رژیم اشغالگر قدس گشود. در قدم بعدی بر اساس نظرسنجی انجام یافته در جنگ روایت‌ها، گفتمان دفاع و مقاومت ملت مسلمان فلسطین به برتری دست یافته و در جایگاه گفتمان هژمون قرار گرفته است. نتیجه هژمونیک شدن گفتمان دفاع و مقاومت به حاشیه رانده شدن گفتمان تجاوز و اشغال بود. رژیم اسرائیل که تصور می‌کرد از طریق سرکوب و قتل و کشتار مردم می‌تواند به تثبیت موقعیت خود پردازد، نه تنها به این هدف دست نیافت؛ بلکه با نتیجه معکوس روبرو گردید. نتیجه جنگ روایت‌ها به تثبیت هویت گفتمان مقاومت انجامید. گفتمان تجاوز را بی اعتبار و ناموجه ساخت. عادی سازی روابط کشورهای اسلامی با رژیم اسرائیل را با بن بست کشانید و در نهایت تصویر منفی از چهره حقوق بشر غربی و آمریکایی را برای افکار عمومی بازنمایی کرد.

فهرست منابع

سجادی، س.ع. (۱۳۸۴). گفتمان اسلام سیاسی در افغانستان پساطالبان. قم: دانشگاه مفید.
سجادی، س.ع. (۱۳۹۹). گفتمان‌های امنیتی در روابط بین‌الملل. افغانستان، دانشگاه خاتم النبیین ﷺ.

هوارث، د. (۱۳۹۷) گفتمان. ا. صبوری (مترجم). تهران: انتشارات آگاه.
یورگنسن، م.، فیلیپس، ل. (۱۳۹۵). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ه. جلیلی (مترجم). (چاپ ششم). تهران: نشر نی.

Fuller, Graham E. (2003). *The Future of Political Islam*. MacMillan.

Howarth, D. (۲۰۰۰). *New Reflection on the Revolutions of our Time*. London: Versp.

Laclau, E. & Mouffe, C. (2000). *Contingency, Hegemony, Universality*. London: Verso.

پایگاه خبرگزاری تسنیم در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۱۲ قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/02/12/3078333/%D8%B9%D9%84%D9%84-%D8%A7%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%B2%D9%87->

پایگاه خبرگزاری عصر ایران در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۱۲ قابل دسترس در:

<https://www.asriran.com/fa/news/922845/%D8%A7%D9%81%DA%A9%D8%A7>

پایگاه بی.بی.سی. در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۴ قابل دسترس در:

<https://www.bbc.com/persian/articles/c3gj1k2mg9no>

روزنامه اینترنتی فراز در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۱۷ قابل دسترس در:

<https://www.faraz.ir/fa/news/73335/%D9%81%D8%B6%D8%A7%DB%8C>

پایگاه خبرگزاری تابناک در تاریخ ۲/۷/۱۴۰۳ قابل دسترس در:

<https://www.tabnak.ir/fa/news/1234101/%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8%B1>

پایگاه خبرگزاری العالم. (۱۴۰۲). قابل دسترس در:

<https://fa.alalam.ir/news/6774008/%D9%86%D8%B8%D8%B1%D8%B3%D9%86%D8%AC%DB%8C->

-Pewresearch.org:

<https://www.pewresearch.org/2024/03/21/majority-in-u-s-say-israel-has-valid-reasons-for-fighting-fewer-say-the-same-about-hamas/>

References

- Al-Alam News Network. (2023). Retrieved from <https://fa.alalam.ir/news/6774008/%D9%86%D8%B8%D8%B1%D8%B3%D9%86%D8%AC%D8%8C-> [In Persian]
- Asr-e Iran. (2023). Retrieved from <https://www.asriran.com/fa/news/922845/%D8%A7%D9%81%DA%A9%D8%A7> [In Persian]
- BBC Persian. (2024). Retrieved from <https://www.bbc.com/persian/articles/c3gj1k2mg9no> [In Persian]
- Fuller, Graham E. (2003). *The Future of Political Islam*. MacMillan.
- Gallup. (2024). Retrieved from <https://institute.global/insights/geopolitics-and-security/tbi-comment-new-polling-by-zogby-research-services-reveals-palestinian-and-Majority-disapprove-of-Israeli-action-in-Gaza>. Retrieved from <https://news.gallup.com/poll/642695/majority-disapprove-israeli-action-gaza.aspx> [In Persian]
- Howarth, D. (2018). *Discourse* (A. Sabouri, Trans.). Tehran: Agah. [In Persian]
- Howarth, D. (2000). *New Reflection on the Revolutions of our Time*. London: Versp.
- Ipsos. (2024). Retrieved from <https://www.ipsos.com/sites/default/files/ct/news/documents/2024-10/%E2%80%ACipsos-polling-middle-east-2024.pdf> [In Persian]
- Jørgensen, M., & Phillips, L. (2016). *Discourse analysis as theory and method* (6th ed., H. Jalili, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
- Laclau, E., & Mouffe, C. (2000). *Contingency, Hegemony, Universality*. London: Verso.
- MEE Staff. (2023). *The 2023 Arab Opinion Index: Main results in brief*. Retrieved from <https://www.middleeasteye.net/news/israel-arab-world-recognition-widespread-opposition-survey> [In Persian]
- Online Newspaper Faraz. (2024). Retrieved from <https://www.faraz.ir/fa/news/73335/%D9%81%D8%B6%D8%A7%DB%8C> [In Persian]

- Palestinian Center for Policy & Survey Research. (n.d.). *Research reports and data*. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/resrep25110> and Arab public opinion about the Israeli war on Gaza. Retrieved from <https://www.dohainstitute.org/en/News/Pages/arab-public-opinion-about-the-israeli-war-on-gaza.aspx> [In Persian]
- Pew Research Center. (2024). *Majority in U.S. say Israel has valid reasons for fighting, fewer say the same about Hamas*. Retrieved from <https://www.pewresearch.org/2024/03/21/majority-in-u-s-say-israel-has-valid-reasons-for-fighting-fewer-say-the-same-about-hamas/> [In Persian]
- Sajjadi, S. A. (2005). *The discourse of political Islam in post-Taliban Afghanistan*. Qom: Mofid University. [In Persian]
- Sajjadi, S. A. (2020). *Security discourses in international relations*. Afghanistan: Khatam al-Nabieen University. [In Persian]
- Tabnak News Agency. (2024). Retrieved from <https://www.tabnak.ir/fa/news/1234101/%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8%B1> [In Persian]
- Tasnim News Agency. (2024). Retrieved from <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/02/12/3078333/%D8%B9%D9%84%D9%84-%D8%A7%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%B2%D9%87-> [In Persian]
- TBI. (2024). *Information from the Tony Blair Institute for Global Change on geopolitics and security*. Retrieved April from <https://institute.global/insights/geopolitics-and-security> and *Commentary on new polling by Zogby Research Services reveals Palestinian views*. Retrieved from <https://institute.global/insights/geopolitics-and-security/tbi-comment-new-polling-by-zogby-research-services-reveals-palestinian> [In Persian]